

درس یازدهم: یاران عاشق

۱- بیا عاشقی را رعایت کنیم زیاران عاشق حکایت کنیم

قلمرو زبانی: یاران عاشق: شهیدان

قلمرو ادبی: واج آرایبی «آ» / عاشقی: مجاز از اصول عشق ورزی

قلمرو فکری: بیا تا برای احترام به عشق و عاشقی از یارانِ عاشق (شهدا) حکایت کنیم.

۲- از آنها که خونین سفر کرده اند سفر بر مدار خطر کرده اند

قلمرو زبانی: آنها: شهدا، رزمندگان

قلمرو ادبی: سفر خونین کردن: کنایه از شهادت / مصراع دوم: کنایه از خطرات راه را پذیرفتن

قلمرو فکری: از آن یارانی که سفر خونینی داشته اند و در جاده‌ی خطر سفر کرده اند. (شهیدان)

۳- از آنها که خورشید فریادشان دمید از گلوی سحر زادشان

قلمرو زبانی: آنها: شهدا، رزمندگان

قلمرو ادبی: خورشید فریادشان: اضافه تشبیهی / سحرزاد: کنایه از بیدارگر، حیات بخش / گلو: مجاز از دهان / فریاد از گلو دمیدن: کنایه از اعتراض

قلمرو فکری: از آن یارانی حکایت کنیم که فریادشان مانند خورشید از گلوی آگاهی بخششان بیرون آمد.

۴- چه جانانه چرخ جنون می زنند دف عشق با دست خون می زنند

قلمرو زبانی: دف: نوعی ساز

قلمرو ادبی: دف عشق: اضافه تشبیهی / دست خون: دست خونین، کنایه از شهادت / چرخ زدن و دف زدن: کنایه از شادی کردن / مصرع دوم: کنایه از عاشقانه جان باختن / واج آرایبی: «ن»

قلمرو فکری: آن‌ها چه عاشقانه به دنبال عاشقی می گشتند و این عشق را با شهادت خود دنبال کردند.

۵- به رقصی که بی پا و سر می کنند چنین نغمه عشق سر می کنند

قلمرو زبانی: این بیت و بیت بعدی موقوف المعانی اند.

قلمرو ادبی: نغمه عشق: اضافه تشبیهی / بی پا و سر رقص کردن: متناقض نما

قلمرو فکری: آنانی که، بی پا و سر، رقص عاشقانه می کنند و آوازهای شادی سر می دهند...

۶- هلا منکر جان و جانان ما بزن زخم انکار بر جان ما

قلمرو زبانی: هلا: آگاه باش / منکر: انکار کننده

قلمرو ادبی: زخم انکار: تشبیه / زخم انکار زدن: کنایه از سرزنش کردن / واج آرایبی «آ»

قلمرو فکری: ای کسی که ما و معشوق ما را انکار می کنی! باز هم ما و عشق ما را انکار کن! (شاعر می گوید ملامتگر تصور

می‌کند با این انکار ما را می‌آزارد. در حالی که این انکار برای ما مرهمی التیام بخش است.)

۷- بزَن زخم، این مرهمِ عاشق است که بی زخم مردن، غم عاشق است

قلمرو زبانی: بی زخم مردن: مرگ معمولی و طبیعی.

قلمرو ادبی: استعاره: زخم استعاره از «سرزنش» / زخم مرهم است: تشبیه / مرهم بودن زخم: متناقض نما

قلمرو فکری: ای انکار کننده! باز هم به ما زخم بزَن که این زخم تو برای عاشق دواست. برای عاشق بدون زخم مُردن، ننگ و عیب است.

۸- مگو سوخت جان من از فرط عشق خموشی است هان، اولین شرط عشق

قلمرو زبانی: هان: شبه جمله (آگاه باش)

قلمرو ادبی: سوخت جان ما...: استعاره مکنیه / سوختن جان: کنایه از رنج بسیار / فرط و شرط: جناس / جان و هان: جناس

قلمرو فکری: ای عاشق! از سختی عشق ناله و اعتراض نکن؛ زیرا، اولین شرط عشق رازداری و خموشی است.

۹- بین لاله‌هایی که در باغ ماست خموشند و فریادشان تا خداست

قلمرو ادبی: لاله: استعاره از شهید / باغ: استعاره از میهن / خموشند و فریادشان تا خداست: متناقض نما / خاموشی و فریاد لاله‌ها: تشخیص

قلمرو فکری: شهدای کشور ما را ببین! خاموش اند و سخنی نمی‌گویند ولی هدف و مکتبشان زنده است و فریادشان تا بی نهایت شنیده می‌شود

۱۰- بیا با گل لاله بیعت کنیم که آلاله‌ها را حمایت کنیم

قلمرو ادبی: واج آرایی «ل» / لاله و آلاله: استعاره از شهید / بیعت با لاله، حمایت از آلاله: تشخیص

قلمرو فکری: بیا تا با شهدا عهد ببندیم که از خون آنها پاسداری کنیم و حمایتشان نماییم.

رباعی ص ۹۶

از چنبر نفس رسته بودند آنها بت‌ها همه شکسته بودند آنها

پرواز شدند و پر گشودند به عرش هر چند دست بسته بودند آنها

قلمرو زبانی: چنبر: حلقه، دایره / رسته: رها شده

قلمرو ادبی: از چنبر نفس رستن: کنایه از ترک تعلقات مادی / چنبر نفس: اضافه استعاری /

بت‌ها: استعاره از تعلقات مادی / دست بسته پرگشودن: متناقض نما / واج آرایی: ش

قلمرو فکری: آن‌ها از دنیای مادیات رها شده بودند و تعلقات دنیوی را از خود جدا کرده بودند.

| آنها کسانی بودند که با وجود اینکه دست‌شان بسته بود، ولی پرواز کردند و به آسمان پر

گشودند. (رباعی در توصیف شهدای غواص است.)

شعر خوانی : صبح بی تو

۱- صبح بی تو رنگ بعد از ظهر یک آدینه دارد بی تو حتی مهربانی حالتی از کینه دارد

قلمرو زبانی : تو : امام زمان (عج) / آدینه : جمعه

قلمرو ادبی : مهربانی حالتی از کینه دارد: تشخیص / مهربانی کینه دارد : متناقض نما / مهربانی و کینه : تضاد
قلمرو فکری : صبح بدون تو مانند بعد از ظهر جمعه‌ها غم‌آلود و ملال‌آور است. بی تو حتی مهربانی هم رنگ
نفرت و کینه دارد.

۲- بی تو می گویند تعطیل است کار عشق‌بازی عشق اما کی خبر از شنبه و آدینه دارد

قلمرو ادبی : مصراع دوم : تشخیص / تعطیل ، جمعه ، شنبه ، جمعه : مراعات نظیر / تعطیل بودن: کنایه از
متوقف بودن

قلمرو فکری : می‌گویند بدون تو ، عشق و عاشقی تعطیل است اما عشق به تاریخ و روزهای تقویم، کاری ندارد.

۳- جغد بر ویرانه می خواند به انکار تو اما خاک این ویرانه ها بویی از آن گنجینه دارد

قلمرو زبانی : گنجینه : گنج

قلمرو ادبی : گنجینه: استعاره از وجود امام زمان (عج) / جغد : استعاره از انکارکنندگان وجود امام زمان (عج) /
تلمیح : قدما باور داشتند که جغد در ویرانه‌هایی که گنج پنهان است ، زندگی می‌کند. / جغد ، ویرانه ، خاک
، گنجینه: مراعات نظیر / جغد به انکار بخواند: تشخیص / بوی چیزی را داشتن: کنایه از نشان چیزی را
داشتن

قلمرو فکری : انکارکنندگان در سرزمین کفر وجود تو را انکار می‌کنند اما در آن کشورها نیز می‌توان نشانه
ظهور شما را دید.

۴- خواستم از رنجش دوری بگویم، یادم آمد عشق با آزار خویشاوندی دیرینه دارد

قلمرو زبانی : دیرینه : قدیمی

قلمرو ادبی : عشق با آزار خویشاوندی دارد: تشخیص / خویشاوندی داشتن: کنایه از ارتباط نزدیک داشتن ،
هم نوع بودن

قلمرو فکری : می‌خواستم از دوری تو اظهار رنجش و ناراحتی کنم اما یادم آمد که رنج و عشق با هم رابطه‌ی
عمیق و دیرینه دارند. (باید سختی عشق را تحمل کرد).

۵- در هوای عاشقان پر می کشد با بی قراری آن کبوتر چاهی زخمی که او در سینه دارد

قلمرو ادبی : کبوتر چاهی: استعاره از قلب دوستداران امام زمان (عج) / پر کشیدن : کنایه از شیفته بودن /
سینه: مجاز از دل .

قلمرو فکری : عاشقان و مومنان در آرزوی ظهورت ، با بی‌قراری و اضطراب تو را می‌جویند.